



مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی
د ستراتژیکو او سیمه ییزو څېړنو مرکز

تحليل هفته

شماره: ۲۵۲ (از ۲۲ الی ۲۹ ثور ۱۳۹۷ هـ ش)

این نشریه مجموعه تحلیل رویدادهای مهم سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی هفته وار است که به زبان های پشتو، دری، انگلیسی و عربی، توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی تهیه و نشر می گردد، تا نهادهای سیاست گذار و پالیسی ساز از آن استفاده نمایند.

آنچه در این شماره می خوانید:

۲..... مقدمه

خروج امریکا از توافق اتومی ایران و تاثیرش بر افغانستان و منطقه

۴..... نگاهی به توافق اتومی ایران

۵..... خروج یک جانبه امریکا از توافق اتومی با ایران

۶..... تاثیرش بر منطقه

۷..... تاثیرش بر افغانستان

افغان جگړه او د دیني عالمانو د فتواگانو رول

۹..... په افغانستان کې روانه جگړه

۱۰..... د سولې هڅې

۱۱..... په اندونیزیا کې د دیني عالمانو ناسته

مقدمه

په امریکا کې د ډونالډ ټرمپ له واک ته رسېدو سره د ایران او امریکا اړیکې هم د خرابېدو په لور ولاړې او دا چې ټرمپ له پخوا څخه له ایران سره د اتومي تړون جدي مخالف و او دا یې د امریکا د تاریخ تر ټولو "بد تړون" بللی و، د نوموړي له واک ته رسېدو سره د ایران او ۱+۵ هېوادونو تړون هم د فسخه کېدو له گواښ سره مخ شو.

سره له دې چې اوس یوازې امریکا له دغه تړون څخه ووتله او پاتې نور پنځه هېوادونه لا هم دغه تړون ته ژمن پاتې دي؛ خو بیا هم دا د ایران د اتومي پروگرام په اړه د ایران او ۱+۵ هېوادونو ترمنځ د یوې نیمې لسیزې خبرو اترو بیاځلې ماتې وبلل شوه. دا چې په سیمه کې د افغانستان له دغه گاونډي سره د امریکا د اړیکو خرابوالی او په تېره بیا د ایران له اتومي تړون څخه د امریکا وتل به پر افغانستان او سیمه څه اغېزې وکړي، په اړه یې د ستراتیژیکو او سیمه ییزو څېړنو مرکز د اوونیز تحلیل په لومړۍ برخه کې شننه لولې.

د تحلیل په دویمه برخه کې بیا په هېواد کې د روانې جگړې او د دغې جگړې په اړه د فتوا لپاره د دیني عالمانو د وروستۍ غونډې په اړه لولې. په اندونیزیا کې د دریو هېوادونو د دیني عالمانو گډه غونډه داسې مهال جوړه شوه، چې په هېواد کې روانه جگړه ورځ تر بلې خونړۍ کېږي او په تېره بیا د افغان ځواکونو د مرگ ژوبلې کچه په دې وروستیو کې خورا لوړه شوې ده. دا چې په اندونیزیا کې د دیني عالمانو غونډه کې څه تېر شول او دا ډول غونډې او فتواوې به پر افغان جگړه څه اغېزې ولري، هغه پوښتنې دي، چې د تحلیل په دویمه برخه کې یې د ځوابولو هڅه شوې ده.

خروج امریکا از توافق اتمی ایران و تاثیرش بر افغانستان و منطقه



حکمت الله زلاند / مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی

برنامه اتمی ایران از چند دهه به این سو یکی از قضایای مهم منطقه و سیاست بین‌المللی به شمار می‌رود و بدون شک تاثیراتی نیز بر وضعیت منطقه و افغانستان داشته است که با توجه به اهمیت این قضیه، در آینده نیز بدون تاثیر نخواهد بود.

گفتگوها میان ایران و شش قدرت بزرگ جهان به رهبری ایالات متحده امریکا، در سال ۲۰۱۵ به پیروزی رسید و هفت کشور به توافق تاریخی در مورد برنامه اتمی ایران دست یافتند، ولی پس از به قدرت رسیدن دونالد ترامپ در امریکا، احتمال خروج امریکا از این توافق مطرح شد.

رئیس جمهور امریکا بالآخره به تاریخ ۸ می ۲۰۱۸ م تصمیم خود مبنی بر خروج کشورش از توافق اتمی ایران را رسماً اعلام کرد که با واکنش‌های بین‌المللی مختلف مواجه شد. کشورهای فرانسه، روسیه، بریتانیا و آلمان در مخالفت با این اقدام ترامپ به ادامه تعهدشان به توافق اتمی با ایران تاکید کردند و روسیه آنرا یک برخورد توهین‌آمیز به قواعد بین‌المللی خواند. اما اسرائیل، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و بحرین از این تصمیم ترامپ استقبال کردند و اسرائیل آنرا یک تصمیم جسورانه عنوان کرد.

اینکه خروج امریکا از توافق اتمی ایران چه تاثیری بر وضعیت افغانستان و منطقه خواهد داشت، پرسشی است که در کنار نگاهی به برنامه اتمی ایران، در این تحلیل به پاسخ آن پرداخته شده است.

نگاهی به توافق اتومی ایران

برنامه اتومی ایران در سال ۱۹۵۷م با قرارداد همکاری میان امریکا و ایران در چهارچوب برنامه «اتوم برای صلح» آغاز شد که بر بنیاد آن، ایران چند کیلوگرام یورانیوم غنی شده برای مصرف پژوهشی از امریکا دریافت می کرد. در آن زمان روابط دو کشور نزدیک و تهران محافظ منافع امریکا در منطقه پنداشته می شد.

با تاسیس سازمان انرژی اتومی ایران توسط محمد رضا شاه در سال ۱۹۷۴م و بنیان نهادن نیروگاه اتومی در بوشهر، برنامه اتومی ایران شکل جدی تری به خود گرفت. قرار بود در جریان ۲۰ سال حدود ۲۳۰۰۰ میگاوات برق از طریق ۲۲ نیروگاه تولید شود؛ ولی با انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ برنامه اتومی این کشور نیز متوقف شد و روابط ایران و امریکا تنش آلود گردید. پس از آن ایران با تحریم های اقتصادی امریکا و سایر کشورهای جهان مواجه شد که از سال ۲۰۰۳ در زمان ریاست جمهوری جورج بوش، افزایش بیشتر یافت.

مذاکرات ایران با کشورهای امریکا، فرانسه، روسیه، انگلستان، چین و آلمان (۱+۵) که از سال ۲۰۰۳ آغاز شده بود، تا سال ۲۰۱۳ نتیجه ی در پی نداشت، ولی با به قدرت رسیدن حسن روحانی به عنوان رئیس جمهور ایران، روی یک موافقه شش ماهه میان امریکا و ایران توافق صورت گرفت که براساس آن ایران الی شش ماه غنی سازی یورانیوم را متوقف می کرد و امریکا نیز تحریم های بیشتر بر ایران وضع نمی کرد. پس از آن، ایران و شش قدرت بزرگ جهان در نتیجه گفتگوهای ۱۸ ماهه به توافق ابتدایی در لوزان سویس رسیدند و بالاخره در ۱۴ جولای سال ۲۰۱۵ در شهر وینای اتریش به توافق جامع اتومی دست یافتند. این توافق تاریخی که به نام برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) نیز یاد می شود، در حقیقت پایانی بود برای مذاکرات پرفرازونشیب ۱۲ ساله میان ایران و غرب بر سر برنامه اتومی ایران.

بر بنیاد این توافق، ایران برنامه اتومی خویش را برای مدت طولانی محدود می کرد و در بدل آن تحریم های جهانی از این کشور برداشته می شد که در کنار منافع سیاسی، منافع اقتصادی زیادی برای این کشور در پی داشت. ایران فرصت دستیابی به بیش از ۱۳۰ میلیارد دالر سرمایه منجمد شده خود را به دست آورد و بانک های ایرانی با SWIFT متصل شدند. صادرات تیل ایران که به دلیل تحریم های اقتصادی تا سال ۲۰۱۴ حدود ۵۰ درصد کاهش یافته بود، بار دیگر افزایش یافت. و مهم تر اینکه فرصت سرمایه گذاری به شرکت های بزرگ جهانی در ایران نیز مساعد شد.

با این هم، هرچند انتظار می‌رفت که دست یافتن به این توافق، تاثیر زیادی بر اقتصاد ایران خواهد کرد، ولی عملا مردم ایران اکنون نیز از وضعیت بد اقتصادی در این کشور رنج می‌برند و رفع تحریم‌ها از ایران بر اقتصاد آنها تاثیرات آنچنانی نداشته است. از این رو، چند ماه پیش موجی از تظاهرات در سراسر ایران آغاز شد که به زودی از سوی حکومت این کشور سرکوب گردید.

خروج یک‌جانبه آمریکا از توافق اتمی با ایران

دونالد ترامپ از زمان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا سخت‌ترین منتقد ایران و توافق اتمی با این کشور بود. او پس از ورود به کاخ سفید، به کانگرس آمریکا و متحدان اروپایی آمریکا فرصت اصلاح این توافق را داد و با تعیین ضرب‌الاجلی گفت که در صورت اصلاح نشدن این توافق، از آن خارج می‌شود. در فبروری ۲۰۱۷ در تویترش نوشت: «ایران در ورطه سقوط قرار داشت، ولی این آمریکا بود که ۱۵۰ میلیارد دلار را در بدل توافق اتمی به ایران داد».

ترامپ این توافق را "فاجعه‌بار" و با یک کشور "تروریست پرور" توصیف کرده و مهم‌ترین عوامل خروج آمریکا از آن را سرپیچی ایران از این توافق، آزمایش‌های میزاییل بالستیکی و حمایت ایران از گروه‌های تندرو القاعده، طالبان، حماس و حزب الله خوانده است. به گفته او، این توافق باعث منع ایران از غنی‌سازی یورانیوم نشده، بلکه به ایران اجازه داد تا در استانه دستیابی به سلاح اتمی قرار بگیرد. لابی کشورهای مخالف ایران در منطقه به خصوص عربستان سعودی نیز در خروج آمریکا از این توافق نقش داشته است.

خروج یک‌جانبه آمریکا از توافق اتمی ایران، بنیاد حقوقی و قانونی بین‌المللی ندارد، ولی تاثیرات سیاسی و نتایج این اقدام ترامپ که عمدتاً تحریم‌های سنگین آمریکا بر ایران خواهد بود، برای ایران قابل توجه است.

براساس توافق، اگر یکی از طرفین بر تعهدات خویش عمل نمی‌کند، طرف دیگر نیز می‌تواند تعهدات خویش را معلق کند. تا هنوز ایران تصمیم نهایی خود را نگرفته است که یکی از احتمالات نیز تعلیق تعهدات است، کاری که برای پنج کشور دیگر عضو این توافق قابل قبول نخواهد بود و در نتیجه، از هم خواهد پاشید. هرچند ایران می‌گوید، در صورت پایبند بودن پنج کشور دیگر به این توافق، به آن متعهد می‌ماند، ولی در کل در حال حاضر این توافق با لغو کلی احتمالی نیز روبه‌رو شده است.

تاثیرش بر منطقه

در بُعد جهانی، خروج یک‌جانبه آمریکا از این توافق به دلیل نقض یک قطعنامه معتبر بین‌المللی، به اعتبار جهانی آمریکا صدمه وارد کرد. خروج از این توافق تا حدی منتج به انزوای بین‌المللی آمریکا نیز خواهد شد، چون پایبند دادن سه کشور اروپایی به این توافق، به معنای از دست رفتن نفوذ آمریکا در اروپا است. در کنار این، روسیه و چین نیز همکاری‌های خویش با ایران را افزایش خواهند داد.

ایران: این اقدام آمریکا، پیش از پیش روی اقتصاد ایران تاثیر کرده و ارزش واحد پولی ایران در بازارهای جهانی کاهش یافته است. درحالی‌که ایران از بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی در داخل این کشور نیز رنج می‌برد، این اقدام آمریکا قطعاً برای ایران سنگین‌تر ثابت خواهد شد. به عنوان مهم‌ترین نتیجه خروج آمریکا از توافق اتمی با ایران، این کشور بار دیگر تحت تحریم‌های سنگین اقتصادی آمریکا قرار خواهد گرفت.

شرق میانه: اسرائیل و عربستان سعودی، که از رقبای اصلی ایران در منطقه محسوب می‌شوند، از این اقدام آمریکا استقبال کردند. این اقدام ترامپ تا حدی بر معادله قدرت در شرق میانه تاثیرگذار خواهد بود. عربستان سعودی این اقدام آمریکا را پیروزی سیاست خویش در منطقه می‌داند. اسرائیل که توافق اتمی ایران را «اشتباه تاریخی» خوانده بود، به دلیل محدود شدن میزبیل بالستیک ایران و حمایت این کشور از گروه حزب الله لبنان، بیش از هر وقت دیگر به آمریکا نزدیک خواهد شد. در جانب دیگر، جنگ‌های نیابتی ایران با آمریکا در کشورهای مختلف به خصوص در شرق میانه تشدید خواهد شد.

جنوب آسیا: کشورهای هند و پاکستان به دلیل محدود شدن روابط تجاری و اقتصادی آنها با ایران و پروژه‌های مشترک منطقه‌ای میان آنها، این اقدام آمریکا را به نفع خویش نمی‌دانند. هند یکی از کشورهای پرمصرف انرژی در جهان است و ایران از بیشترین منابع تیل و گاز در منطقه برخوردار است. هند در سال ۲۰۰۹ نزدیک به ۲۰ درصد تمام انرژی مورد نیاز خویش را از ایران وارد می‌کرد که به دلیل تحریم‌ها بر ایران و فشارهای آمریکا به گونه تدریجی کاهش یافت و از پایپ‌لاین گاز ایران-پاکستان-هند نیز عقب رفت. در عرصه ترانزیتی کار پروژه بندر چابهار که هند را به افغانستان و آسیای میانه وصل می‌کند، متأثر خواهد شد. از سوی دیگر، اگر افغانستان و هند از پروژه‌های منطقه‌ای با ایران عقب بروند، ایران با پاکستان و چین بیشتر نزدیک خواهد شد و ممکن در حوزه اقتصادی پاکستان-چین سهمیم خواهد شد، چیزیکه هند را تا حدی نگران و روی روابط ایران-هند نیز تاثیر خواهد کرد.

تاثیرش بر افغانستان

ایران به عنوان یک کشور قدرتمند منطقه و همسایه افغانستان روی وضعیت در افغانستان تاثیرگذار است، بنابراین، خروج امریکا از این توافق دارای تاثیرات گوناگون بر افغانستان نیز خواهد بود که مهم آنرا می توان در دو نکته ذیل بیان کرد:

نخست؛ تاثیرات اقتصادی: از یک سو وضع تحریم های اقتصادی امریکا بر ایران، پروژه بندر چابهار را تحت تاثیر قرار خواهد داد و از سوی دیگر، داد و ستد اقتصادی میان ایران و افغانستان نیز در حالی متاثر خواهد شد که در دو سال گذشته میزان تجارت میان افغانستان و پاکستان به گونه بی پیشینه کاهش یافته و بالعکس با ایران افزایش یافته است. همچنان صادرات افغانستان از طریق ایران به کشورهای دیگر نیز متاثر خواهد شد، چون در حال حاضر نیز به دلیل روابط خراب با پاکستان بخش بزرگ ترانزیت افغانستان از راه ایران صورت می گیرد. در کنار این، با کاهش صادرات تیل ایران نرخ تیل در مارکیت جهانی بلند خواهد رفت، چیزیکه بر اقتصاد افغانستان تاثیر مستقیم دارد، چون برخی از واردات تیل افغانستان از طریق ایران صورت می گیرد.

دوم؛ امنیت در افغانستان: افزایش تنش ها میان ایران و امریکا روی امنیت افغانستان نیز بدون تاثیر نخواهد بود. از یک سو نیروهای امریکایی عملا در افغانستان حضور دارند و افغانستان متحد استراتژیک امریکا به شمار می رود و از سوی دیگر، ایران از گسترش شاخه خراسان گروه "دولت اسلامی" در افغانستان نیز هراس دارد و همین دو باعث همکاری محدود ایران با طالبان شده است. با خروج امریکا از توافق اتمومی، هراس ایران از حضور امریکا در منطقه بیشتر شده و احتمال گسترش همکاری ایران با طالبان وجود دارد. پایان

افغان جگړه او د ديني عالمانو د فتواگانو رول



ضیاءالاسلام شیراني / د ستراتېژیکو او سیمه ییزو خپرنو مرکز

په افغانستان کې د روانې جگړې د پای ته رسېدو په پار افغان حکومت د سولې په برخه کې د خپلو هڅو په دوام، له تېرو څو میاشتو راهیسې په اندونیزیا کې د دیني عالمانو د غونډې جوړېدو په هڅه کې و، ترڅو په افغانستان کې د روانې جگړې د پای ته رسېدو او سولې په برخه کې مرسته وکړي.

دغه غونډه بالاخره د افغانستان، اندونیزیا او پاکستان د یو شمېر دیني عالمانو په گډون، د اندونیزیا په بوگور ښار کې د ۲۰۱۸م کال د مې په ۱۱ جوړه شوه. که څه هم له دغې ناستې د افغان حکومت هیله دا وه، چې راغونډ شوي دیني عالمان به په افغانستان کې د روانې جگړې د حراموالي فتوا ورکړي؛ خو په دې غونډه کې یوازې پر دې ټینگار وشو، چې طالبان باید له افغان حکومت سره سوله وکړي.

په اندونیزیا کې د دیني عالمانو ناسته داسې مهال ده، چې میاشت وړاندې طالبانو د افغان حکومت له لوري د کابل پروسی په دویمه ناسته کې د سولې وړاندیزونو ته د الخندق په نوم پوځي عملیاتو په اعلانولو سره ځواب وکړ او د افغانستان په بېلابېلو سیمو کې یې خپلو بریدونه ته زور ورکړ.

په افغانستان کې د روانې جگړې څرنگوالی، د حکومت د سولې هڅې او په اندونیزیا کې د دیني عالمانو درې اړخیزه ناسته، هغه موضوعات دي چې په دغه تحلیل کې مو بحث پرې کړی دی.

په افغانستان کې روانه جگړه

په افغانستان کې روانه جگړه د امریکا د متحده ایالاتو له لوري د ۲۰۰۱م کال د سپتمبر د ۱۱مې له پېښې راوروسته پیل شوه او دغه هېواد پر افغانستان د طالبانو د رژیم د ړنگولو او د القاعدې شبکې د خپلو په موخه برید وکړ او دلته یې د نوي دولت بنسټ کېښود.

پر افغانستان د امریکا برید که څه هم ظاهراً د سپتمبر د ۱۱مې پېښې له کبله د القاعدې شبکې د غړو او ملاتړ کوونکو د خپلو په موخه و؛ خو وروسته دا څرگنده شوه چې د امریکا موخه یوازې همدا نه وه، ځکه که د القاعدې او طالبانو خپل یې موخه وای، نو هغه په لومړیو کلونو کې وشول او په ټول افغانستان کې آرامي شوه.

په دې اړه د پاکستان لپاره د طالبانو د وخت سفیر عبدالسلام ضعیف وایي: «د سپتمبر د ۱۱مې بریدونه کوم تصادفي کار نه و، بلکې امریکا په سیمه کې د خپلو اوږدمهالو گټو د تامینولو په موخه له پخوا په افغانستان کې د پوځي حضور تصمیم درلود، طالبانو درې ځله د امریکا د متحده ایالاتو دولت ته د سپتمبر د ۱۱مې پېښې په خاطر د اسامه بن لادن د محاکمه کولو وړاندیز وکړ؛ خو هر ځل دا وړاندیز د امریکا له لوري رد شو.»¹

پر افغانستان د امریکا له برید او د طالبانو له لنډمهالې ماتې راوروسته په دغه هېواد کې جگړه بېرته پیل او ورځ تر بلې په تودېدو شوه، چې د سیگار د راپورونو له مخې، اوس مهال د افغانستان حکومت ایله د هېواد په شاوخوا ۵۰ سلنه خاوره کنټرول یا نفوذ لري او د جگړې شدت هم داسې کچې ته رسېدلی، چې ولایتونه یې د سقوط له گواښ سره مخ کړي دي.

¹ 'Bush rejects Taliban offer to hand Bin Laden over, guardian, 14th oct 2001, see online: <http://www.theguardian.com/world/2001/oct/14/afghanistan.terrorism5>

پر طالبانو سربېره په افغانستان کې د "اسلامي دولت" ډلې راپورته کېدل او په لنډمهال کې د افغانستان گڼو ولايتونو ته د دغې ډلې د جگړو لمن غځېدل، چې پر ولايتونو سربېره په پلازمېنه کابل کې د سترو او خونړيو بریدونو مسووليت هم په غاړه اخلي، د روانې جگړې يو بل مهم او نوی اړخ دی.

په افغانستان کې له تېرې يوې نيمې لسيزې راهيسې خرابېدونکي امنيتي وضعيت ته په کتلو سره ډېری څېړونکي او شنونکي دې پایلې ته رسېدلي، چې په افغانستان کې د امریکا موخه د "ترهگری" ځپل او د جگړې پای ته رسېدل نه دي، بلکې په لوی لاس هڅه کوي چې د خپلو گټو لپاره په افغانستان کې جگړه روانه وساتي. امریکا غواړي په افغانستان کې په خپل نظامي حضور سره چين، روسيه، ايران او هغه هېوادونه چې د امریکا نړيوالې سلطې ته گواښ جوړولی شي، کنټرول کړي. په بل اړخ کې امریکا ته افغانستان د موقعيت له پلوه خورا ارزښت لري، ځکه دا هېواد د منځني ختيځ، سوېلي اسيا او سوېل ختيځې اسيا ترمنځ نېبلوونکې نقطه ده او مرکزي اسيا د نړۍ په کچه د انرژۍ ستر مرکزونه لري. پر دغو دوو اړخونو سربېره په افغانستان کې د شته طبيعي زېرمو او کانونو خبره هم په افغانستان کې د امریکا د حضور په اړه مطرح ده.

د سولې هڅې

پر افغان خاوره د امریکا له برید سره د جگړې په لومړيو کې که څه هم د لنډ مهال لپاره طالبان له جگړې ولوبېدل؛ خو څو کاله وروسته يې بيا جگړه پيل او ورځ تر بلې سخته کړه. دغه وضعيت افغان دولت او نړيوال اړ کړل، چې پر جگړې د تمرکز ترڅنگ د سولې خبرو ته هم مخه کړي، خو دا خبرې په هغه کچه نه وې چې جگړه دې پای ته ورسوي.

په دې برخه کې په تېرو کلونو کې له طالبانو سره د سولې لپاره د افغان حکومت او ځينو خپلواکو بنسټونو له لوري گڼې هڅې وشوې. په ۲۰۱۰م کال کې د سولې عالي شورا جوړه شوه، وروسته په بېلابېلو هېوادونو کې د سولې د خبرو د پيل په موخه غونډې وشوې، چې د وروستيو دريو کلونو مهمې يې د چين په ارومچي او بيا د اسلام اباد په مري کې وې. دغه راز په کابل او اسلام اباد کې څلور اړخيزې غونډې او د کابل پروسې دوې ناستې وشوې؛ خو تر دې دمه د بېلابېلو لاملونو له کبله هېڅ يو گام هم د سولې د خبرو د پيل لامل نه شو او دا پروسه لا هم له ناکامۍ سره مخ ده.

دا ناکامي دوه مهم لاملونه لري:

لومړی؛ افغان حکومت د جگړې د اصلي عواملو په له منځه وړلو د تمرکز پر ځای، هڅه کوي چې طالبان د نظامي او سياسي فشارونو له لارې او په تېره بيا د پاکستان له لارې د سولې خبرو ته حاضر کړي.

دویم؛ په داسې حال کې چې امریکا له طالبانو سره د سولې د خبرو اراده نه لري، طالبان ټینګار کوي چې افغان حکومت د سولې واک نه لري او امریکا باید له دغې ډلې سره د سولې خبرو ته کېږي. له همدې کبله یې تل د افغان حکومت د سولې وړاندیزونو ته مثبت ځواب نه دی ورکړی.

په اندونیزیا کې د دیني عالمانو ناسته

افغان دولت په اندونیزیا کې د دیني عالمانو درې اړخیزې ناستې ته له تېرو څو میاشتو راهیسې په تمه و او هیله یې دا وه، چې په دغه ناسته کې به د افغانستان روانه جگړه ناروا او حرامه وبلل شي، کوم څه چې په دې ناسته کې په صراحت سره ونه ویل شول.

د دغې یو-ورځنۍ ناستې په پای کې یو ۱۲ ماده یې پرېکړه لیک صادر شو، چې په پیل کې یې د افغان جگړې له ټولو ښکېلو لورو څخه د دغې جگړې د پای رسولو او سولې کولو غوښتنه شوې وه. دغه راز په نهمه ماده کې یې، چې نظر نورو مادو ته مهم او واضح ټکي لري، ویل شوي: «تاوتریخوالی او ترورېزم باید په هېڅ دین، ملت، تمدن او قوم پورې ونه تړل شي، ځکه افراطیت او ترورېزم، د ملکي وگړو پر وړاندې تاوتریخوالی او ځانمرګي بریدونه د اسلام د مقدس دین له اصولو سره په ټکر کې واقع دي.»²

د افغانستان د سولې عالي شورا که څه هم په اندونیزیا کې د دیني عالمانو د ناستې اعلان شوي پرېکړه لیک ته خوشبیننه ده او د سولې د پروسې په بریا کې یې مهم گڼي؛ خو د افغانستان د مشرانو جرگې رئیس د دیني عالمانو د دغې ناستې له پایلو ناخوښي څرګنده کړه او زیاته یې کړه، چې د تمې خلاف د دیني عالمانو په دې غونډه کې د افغان جگړې د حرام گڼلو په اړه فتوا صادره نه شوه. له همدې کبله هغه هیله ونښوده، چې په سعودي عربستان کې د اسلامي هېوادونو د عالمانو په ناسته کې دغه فتوا صادره شي.³

² د سولې عالي شورا، «په اندونیزیا کې د دیني عالمانو د ناستې پرېکړه لیک»، ثور ۲۴ مه ۱۳۹۷ هـ ش:

<http://www.hpc.org.af/dari/index.php/fa/2011-04-08-11-56-57/2018-01-17-16-24-51/1337-2018-05-14-05-41-45>

³ آزادي راډیو، «مسلمیار: کاشکې د ۳ هېوادونو عالمانو د افغانستان د جنگ پر ضد فتوا صادره کړې وای»، ثور ۲۳ مه ۱۳۹۷ هـ ش:

<https://pa.azadiradio.com/a/29224045.html>

په اندونيزيا کې د ديني عالمانو غونډه او خپور کړی پرېکړه لیک په معنوي لحاظ ارزښتناک دی او ټولې سپارښتنې يې پر ځای دي؛ خو په اوس مهال کې د افغان جگړې پېچلتيا او وضعیت ته په کتلو سره داسې ښکاري، چې د دې جگړې پای ته رسېدل د ديني عالمانو په ناستو او فتواوسره شوني نه دي.

پای



ارتباط با ما:

ایمیل: info@csrskabul.com - csrskabul@gmail.com

وب سایت: www.csrskabul.com -- www.csrskabul.net

شماره تماس دفتر: (+93) 202564049 - (+93) 784089590

محقق ارشد: حکمت الله ځلاند

محقق و مسؤول تحليل هفته: ضياء الاسلام شيراني

محقق و مسؤول نشر تحليل هفته: احمدشاه راشد

hekmat.zaland@gmail.com

(+93) 775454048

zi.shirani@gmail.com

(+93) 764747548

ahmadshahr786@gmail.com

(+93) 784249421